

خاور دور در اندیشه ایرانی

بر پایه آثار جغرافیایی و سفرنامه های فارسی

امیر سعید الهی

www.ketab.ir



کتابخانه ملی و اسناد ملی ایران و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۰

سرشناسه: الهی، امیرسعید ۱۳۲۸-

عنوان و نام پدیدآور: خاور دور در اندیشه ایرانی: بر پایه آثار جغرافیایی و سفرنامه‌های فارسی / به کوشش امیرسعید الهی
مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۳۴۶ ص.

شابک: ۲- ۴۷۰-۴۲۶-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

موضوع: فرهنگ ایرانی — تأثیر خاور دور

موضوع: خاور دور — روابط فرهنگی — ایران

موضوع: ایران — روابط فرهنگی — خاور دور

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۹: ۷ الف ۲/ ۶۵ DSR

رده‌بندی دی‌آی: ۹۵۵/۰۰۳۴

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۴۸۵۷۲



خاور دور در اندیشه ایرانی :

بر پایه آثار جغرافیایی و سفرنامه‌های فارسی

مؤلف: امیرسعید الهی

as_elahi@yahoo.com

ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیر نشر: ناصر زعفرانچی

ناظر چاپ: مجید اسماعیلی‌زارع

امور فنی: امیر خرم

حروف چین و صفحه‌آرا: علیرضا ایرانی‌گلشن

طرح جلد: عین‌الله آزموده

اجرای جلد: اعظم صادقیان

چاپ اول: ۱۳۹۰

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: نشر نماد

ردیف انتشار: ۸۹-۴۶

بها: ۹۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

شابک ۲- ۴۷۰-۴۲۶-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978-964-426-470-2

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۳۱۵۵۶۴۱۹، تلفن: ۸۸۰۳۶۸۹۱۰۳، فاکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

چنین که از تاریخ برمی آید ما همیشه به غرب نظر داشته ایم. حتّا اطلاق «غربی» را ما عنوان کرده ایم و پیش از آن که فرنگیان ما را «شرقی» بخوانند. مراجعه کنید به ابن بطوطه «مغربی». یا پیش از آن به جبل الطارق که منتهی الیه «غرب» اسلامی بود. از صبحدم تمدن اسلام تا فرو ریختن ارزش هرانگاره ای در مقابل سلطه «تکنولوژی» ما همیشه در این سوی عالم. همچون مستی از خروار کلیت یا تمدن. دنیا را به انگاره خود می شناخته ایم و به انگه های خود نشان می زده ایم. پیش از اینکه دیگران همین کار را با ما بکنند. مگر نه این که هر زیری بالایی دارد؟ و اگر یکی دو هزاره ای پیشتر برویم و کلی تر به دورو بر خود بنگریم - در همین ناحیه ما - خاورمیانه (۱) بوده است که کلد و آشور و ایلام و مصر و یهود و بودا و زرتشت در پهنه گسترده ای از دره سند تا دره نیل قد برافراشته اند و بنیانگذار آن چیزی شده اند که جز آن، چیزی در چته تمدن غربی نیست. البته دور از تفاخر و تخریر

این «ما»ی چند طرفه - در این همه دوران ها، پیش از آنکه به مشرق اقصی (چین و ماچین و هند) نظر بدوزد که چینی را و چپ را و کرسی را و عرفان را و نقاشی را و ریاضت (جوکی گری) را و مراقبه (آداب zen) را و زعفران و ادویه را و سمنو را و الخ... از آنجاها داشته پیش از اینها به غرب نظر داشته است. به کناره های مدیترانه، به یونان. به دره نیل به لیدیا (مرکز ترکیه فعلی). به مغرب اقصی و به دریای عنبرخیز شمال. ما ساکنان فلات ایران نیز جزوی از این کل بوده ایم که شمردم.

جلال آل احمد

فهرست بخش یکم

عنوان	صفحه
دیباچه	۱۳
۱. آئین بودا در ایران	۲۱
اوستا	۲۱
بودائیان در بلخ	۲۲
کوشانیان	۲۳
اندیشه‌های مانوی	۲۵
کلّیله و دمنه	۲۵
داستان ابراهیم ادهم	۲۷
بودا در متون کهن فارسی	۲۷
داستان بلوهر و بوداسف	۲۸
عرفان خراسان	۲۹
سلاطین بودایی ایران	۳۰
بودا در جامع التواریخ رشیدی	۳۳
تصوف و صوفیه	۳۴
بودا در سفینه سلیمانی	۳۶
دوران قاجار	۳۶
منابع جدید	۳۸
۲. گذری کوتاه بر شناخت تاریخی خاور دور	۴۱
نوشته‌های جغرافیایی کهن	۴۲

- جامع التواریخ رشیدی ۴۲
- سفرنامه غیاث الدین نقاش ۴۳
- خطای نامه ۴۴
- تاریخ چین ۴۵
- روضه الطاهرین ۴۵
- سفینه سلیمانی ۴۶
۳. دریاها و جزایر خاور زمین در اسطوره‌ها و متون کهن ۴۹
- ۱- دوره نخست ۵۳
- ۲- دوره دوم ۵۵
- ابن رسته اصفهانی و الاعلاق النفیسه ۵۵
- رامهرمزی و عجایب هند ۶۵
- نوشته های مسجودی ۷۶
- ابودلف و سفرنامه اش ۸۹
- جهان نامه ۹۳
- تاریخ چین از جامع التواریخ ۹۷
- قزوینی و عجایب المخلوقات ۹۸
- ابوالفداء و تقویم البلدان ۱۰۱
- احمدبن ماجد و کتاب القوائد ۱۰۳
۴. نامهای جدید بر سرزمینهای قدیم در شرق آسیا ۱۰۷
- اندونزی ۱۰۷
- برمه (میانمار) ۱۰۸
- تایوان ۱۱۰
- تایلند ۱۱۰
- ژاپن ۱۱۱
- فیلیپین ۱۱۲
- کامبوج ۱۱۳
- کره ۱۱۳

۱۱۴.....	ویتنام
۱۱۴.....	مالزی
۱۱۴.....	چین
۱۱۵.....	مالدیو
۱۱۵.....	اندامان
۱۱۷.....	۵. خاور دور در نوشته‌های نوین فارسی
۱۱۸.....	روابط تیموریان ایران با دربار چین
۱۲۱.....	خواندن میرزاشاهرخ، خاقان چین را به دین اسلام
۱۲۴.....	غرایب و عجایب خطای: غیاث‌الدین نقاش در چین
۱۲۶.....	بدگمانی پادشاه چین به ایلچیان ایران
۱۲۷.....	آتش‌سوزی در قصر خاقان چین
۱۳۱.....	۶. شگفتیهای چین در آغاز سده ۱۶ میلادی
۱۳۳.....	نگاهی به خطای‌نامه
۱۴۹.....	۷. خبرهایی از بنگال و برمه
۱۵۰.....	سیلان = سریلانکا
۱۵۰.....	پیگو = برمه
۱۵۳.....	آچین = آچه
۱۵۸.....	بندر چینه
۱۵۹.....	ارخنک = اراکان
۱۶۰.....	مرغ هما
۱۶۲.....	ولایت تبیر
۱۶۳.....	۸. سیر تاریخی شناخت تایلند (سیام) در ایران
۱۶۳.....	صنف و صنفین
۱۶۴.....	قاقوله
۱۶۴.....	شهر ناو و تناصری
۱۶۵.....	ماچین و بلادالذهب
۱۶۵.....	سیام و آیودیا

۹. شیخ احمد قمی در دربار سیام..... ۱۶۹
۱۰. نخستین هیأت سیاسی ایران در شهر ناو :..... ۱۷۷
- شناخت خاور دور در عصر صفوی..... ۱۷۷
- در سیام چه گذشت..... ۱۸۰
- آغاز سفر..... ۱۸۱
- مردمان سیام..... ۱۸۵
- باورها..... ۱۸۶
- روحانیان..... ۱۸۷
- آداب و رسوم..... ۱۸۸
- اقتصاد سیام..... ۱۸۹
- نقش و نفوذ ایرانیان در سیام..... ۱۹۱
- نکته‌هایی از دیگر سرزمینهای شرق آسیا..... ۱۹۳
- بازگشت هیأت..... ۱۹۸
- مسیر بازگشت..... ۱۹۹

فهرست بخشی دوم

عنوان	صفحه
۱. نهضت شناخت خاور دور در دوره قاجار.....	۲۰۳
کتابها و روزنامه‌ها.....	۲۰۴
«آزیه» در سفرنامه آجودان باشی به اروپا.....	۲۰۶
نگاهی به «جهان نما» ی رفائیل.....	۲۰۸
مردمان خاور دور از نگاه ناصرالدین شاه.....	۲۱۰
۲. «شرق اقصی» در نخستین روزنامه‌های ایران.....	۲۱۵
روزنامه ایران: عنک و شنک، کامبژ، ژاپن، کره.....	۲۱۷
۳. احوال چین: نخستین شناخت چین در دوران قاجار.....	۲۲۳

۴. خاور دور در «جام جم» ۲۳۱
- در بیان ایسترن پنین شلا ۲۳۲
- آراکان، آسام، هندوچین، لائوس، کامبوج، برمه، سیام، مالزی، ویتنام
- در بیان جهان (ژاپن) ۲۴۲
- در بیان آیشیه تیک آیلندس ۲۴۶
- اندونزی، فیلیپین، مالدیو و لاکدیو، اندامان و نیکوبار
۵. «برمه» در نوشته‌های معاصر فارسی: ۲۵۱
- گزارش شوشتی از پیگو ۲۵۱
- دیده‌ها و شنیده‌های عضدالملک ۲۵۵
- گزارش وفارالملک از «برما» که ایرانی‌ها «ماچین» می‌گویند .. ۲۶۸
۶. سفرهای ضحافباشی به خاور دور ۲۷۵
- یوکوها-ما- دین و مذهب- آداب و رسوم- آب و هوا- شهرکوبه-
خرافات- روابط زن و مرد- به‌سوی هنگ کنگ- مردم چین- هنگ کنگ-
سنگاپور- پنانگ
۷. نخستین زمامداران ایرانی در چین و ژاپن ۲۸۵
- در چین: ۲۸۷
- خاقان- مسلمانی- دیوان- ماندارین- سفره ارواح- در تحقیق لفظ
چین- مدرسه- عدلیه- دیوار چین- شانگهای- چای- ابریشم-
کرم ابریشم- تاریخ چین- زن چینی- پدر و مادر و خانواده
در ژاپن: ۳۰۴
- ناگاساکی- کیوتو- توکیو- یوکوها-ما- باورها
تاریخ ژاپن- مذهب- دین بودایی در ژاپن- فلسفه بودا هاراکییری-
مستظرفه- تفننات- خانواده و ازدواج
جزیره ایزو- رسم عزاداری- آداب کهنه و جدید
- نمایه اشخاص ۳۲۳
- نمایه مکان‌ها ۳۲۹
- نقشه‌ها

دیباچه

کشورهای شرق آسیا یا خاور دور که برخی از آنها به سرعت راه ترقی و صنعتی شدن را پیموده و امروزه ببرهای صنعتی نامیده می‌شوند در ادبیات جغرافیایی و حافظه تاریخی ما همواره در هاله‌ای از رمز و راز قرار داشته‌اند. معابد بودایی پرشکوه، مردمان کشیده چشم و سیاه چرده، هوای گرم و شرجی، بارانهای بی‌امان، سرزمینهای سرسبز و جزایر بی‌شمار و بهشتی این خطه فضایی بسیار متفاوت با این گوشه آسیا آفریده و دوری زیاد آن با ما هرچه بیشتر بر این رمز و راز افزوده است.

ما پیش از این و در گذشته‌ای نه چندان دور تمامی خاور دور و شرق آسیا را به نام «هندوستان» می‌شناختیم. در ادبیات و افسانه‌های کهن ایرانی، هندوستان تنها همین شبه قاره کنونی هند نبود بلکه سراسر جزایر بزرگ و کوچک اقیانوس هند و سرزمینهای جنوبی امروز چین تا مرزهای شرقی ایران زمین در زمره «ممالک هندوستان» قرار داشت. یعنی همان سرزمینی که کریستف کلمب در سودای رسیدن به آن آمریکا را پیدا کرد و واسکودوگاما با همین اندیشه برای نخستین بار قاره آفریقا را دور زد.

مسعودی مورخ و جهانگرد ایرانی تبار سده چهارم قمری می‌نویسد: «هندوستان به دریا و خشکی و کوه بسیار وسیع است و [این] ملک به ملک زابج [= جاوه] قلمرو مهرج پادشاه جزایر [اندونزی] پیوسته است و این مملکت میان هند و چین فاصله است و آن را به هند اضافه کنند» (مروج الذهب، ۱۳۴۱، ج: ۱، ۷۵)

می‌دانیم که تا حدود ۷۰ سال پیش اندونزی را «هند شرقی هلند» می‌گفتند و کشورهای کنونی ویتنام، کامبوج و لائوس و تایلند را برسرهم شبه جزیره هند و چین می‌نامیدند و اقیانوس هند هم دریای هند نام داشت. حتا در دوران کنونی هم فرهنگ و تمدن پرفروغ هند بر تمام این سرزمین‌ها سایه انداخته است که مهم‌ترین آنها فرهنگ و آئین بودایی است که در اصل از سرزمین افسانه‌ای هند به خاور دور رخت کشیده و به همراه خود شاخ و برگ درخت تناور فرهنگ این سرزمین را نیز به آنجا برده است و امروزه نام «بودا» یادآوری فضای فرهنگی و تاریخی این خطه به شمار می‌رود.

چنین برمی‌آید که در جغرافیای اساطیری پهلوی که در میانه سده پنجم پیش از میلاد قدومین شده بود اقیانوس هند را دریای فراخوگرت می‌نامیده‌اند که به باور مردمان آن روزگار آبهای آن یک سوم کره زمین را دربرمی‌گرفته‌است. خلیج فارس را دریای پونیستیک و دریای عمان را نیز دریای ستویس می‌گفته‌اند که در شمال آنها سرزمینهای هند، ایران و دشت تازیان قرار داشته است.

بخش خاوری دریای فراخوگرت یا اقیانوس هند، اقلیم فَرْدَ فَش نام داشته با بیشه‌زاری در آن که همان جزیره سیلان باشد. ایرانیان باستان نیز جهان را به هفت اقلیم تقسیم می‌کردند و بر هر یک نامی گذاشته بودند. اقلیم شرقی را «ارژه» می‌نامیدند که سرزمین اصلی چین، هندوچین و خساوردور را دربرمی‌گرفته‌است. چنین پیداست که آنها از راه دریا تا خلیج بنگال و چه بسا تا کرانه‌های باختری شبه جزیره مالاکا می‌رفته‌اند و با آن سرزمینها روابط بازرگانی دریایی داشته‌اند. (بهار، از اسطوره تا تاریخ، ۱۳۸۷)

در سده‌های گذشته ایرانیان بخشی از این سرزمین‌ها را چین و ماچین و ختا و ختن می‌نامیدند و حتا تا یکصد سال پیش نیز این اصطلاحات در زبان فارسی به کار رفته است و در قصه‌هایی چون هزار و یکشب، کوشنامه، سندباد بحری و قصه شاه پریان، و متون جغرافیایی مانند عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات با نامهای کهن و خیالی این سرزمین‌ها که امروزه برای ما نامانوس‌اند بسیار برمی‌خوریم.

«بلادالذهب» یا سرزمین طلایی نیز اصطلاح دیگری بود که بیشتر اشاره به کشورهای برمه و سیام داشت و ژاپن را نیز «بلاد واق» می‌نامیدند. سرگذشت این سرزمین‌ها حتا تا زمانی که ابن بطوطه جهانگرد مراکشی در سده ۱۴ میلادی پا به آنجا گذاشت با افسانه‌های بسیار آمیخته بود که برخی از آنها را نیز ابن جهانگرد مشهور در سفرنامه خود آورده است.

او بود که برای نخستین بار نه تنها به گردش در این جزایر پرداخت بلکه گزارشی نیز از دیده‌های خود را به زبان عربی نگاشت. رحله یا سفرنامه ابن بطوطه به خوبی نمایانگر شعاع تمدنی و فرهنگی زبان فارسی و عنصر ایرانی در آن دوره است. او به بسیار کسان با نامهای فارسی دیدار و گفت و گو کرده است. از سلطان غیاث‌الدین دامغانی حاکم معبر و شاه جلال تبریزی پیر کوهستان کامرو در بنگال تا سلطان سیلان که زبان فارسی می‌دانست و نیز کنیزخود ابن بطوطه به نام گلستان که به پارسی سخن می‌گفت و استقبال قاضی شرف‌الدین شیرازی و تاج‌الدین اصفهانی از ابن بطوطه در سوماترا و خواندن اشعار سعدی در شهرهای چین همه و همه گویای گستردگی پیشین فرهنگ ایرانی در تمامی این سرزمینها است. بررسیها نشان می‌دهد که قصه ایرانی امیر حمزه مورد توجه بسیار زیاد مردمان خاور آسیا به‌ویژه سیام و سوماترا بوده است و در مجالس شاهان و امرای این سرزمینها خوانده می‌شده است.

با این همه تا حدود ۳۲۰ سال پیش یعنی در اواخر سده ۱۷م که فرستادگان شاه سلیمان صفوی رهسپار دیار سیام شدند ایرانیان هیچ‌گونه گزارش مستند و دست‌اولی از این سرزمین‌ها نداشتند و شاید برای نخستین بار در کتاب سفینه سلیمانی یعنی گزارش سفر همین هیأت است که نخستین آگاهیهای عینی و مستند از این بخش از جهان به ما رسیده است.

همچنین سفرنامه عضدالملک به برمه که در اواخر سده نوزدهم میلادی نگاشته شده در این زمینه اهمیت بسیاری دارد به ویژه که او نخستین عکسها را از این خطه جهان با خود به ایران آورد و آنجا را هرچه بیشتر به ما شناساند.

در آن زمان مهم‌ترین محصول این سرزمینها عنبر و عود و مشک و کافور و ادویه و قرنفل و... بود و بیشتر نوشته‌های جغرافیایی این خطه انباشته از این

واژه‌هاست، به ویژه در بخش زیادی از آنها درباره عنبر و چگونگی فراوری آن سخن رفته است که در ایران آن را می‌شناخته‌اند.

نوشته‌هایی که از حدود هزار سال پیش باقی مانده نشان می‌دهد که پیشینیان ما این مناطق را به خوبی می‌شناخته‌اند و آگاهیهای کم و بیش دقیقی از این بخش از جهان داشته‌اند. به نوشته مسعودی:

«...خدای تعالی زمین را به قسمت‌های شرق و غرب و شمال و جنوب تقسیم کرده آنچه بسیار به طرف شرق باشد و به محل طلوع خورشید نزدیک باشد نامناسب است که سوزان و آتشین و سخت است و هر که آنجا رود بسوزد.» (مروج الذهب، ج ۱: ۴۲۳)

پیشینیان ما خاور زمین را ربع اول زمین می‌دانستند که هرچه در آن است، مانند هوا گرم و مرطوب است. حکیم بقراط گوید: «در یکی از نواحی جنوب شهری هست که باران فراوان و گیاه و علف فراوان دارد. درختانش مرتفع، آبش شیرین و حیواناتش درشت اندام و بسیار حاصلخیز است... پیکر مردم آنجا درشت و صورت‌هایشان زیبا و اخلاقتان خوب است که آنها به صورت و قامت و اعتدال طبایع همانند اعتدال دوران بهارند ولی مردمانی راحت طلبند و تاب سختی و تلاش ندارند» (همان: ۵۷۱)

این سخن بقراط تا حدود زیادی با خلق و خوی مردمان هند و جنوب خاوری آسیا هماهنگی دارد به‌ویژه آنجا که می‌گوید «اخلاقتان خوب است... ولی مردمانی راحت طلبند و تاب سختی و تلاش ندارند».

مردمان گذشته اقیانوس هند را دریای حبشی هم می‌گفته‌اند که «طول آن از مغرب به مشرق یعنی از اقصای حبش تا اقصای هند و کشور چین هشت هزار میل است و عرض آن دو هزار و هفتصد میل... و در همه معموره بزرگتر از این دریا نیست» (همان: ۱۰۴). می‌دانیم که در آن زمان اقیانوس آرام و سرزمینهای آن سوی دریای چین برای آنها ناشناخته بوده و از این رو سخنی از این بخش از جهان به میان نیاورده‌اند.

مراد ما از خاور دور در این نوشتار سرزمینهای آن سوی شبه قاره هند از ژاپن تا اندونزی و از فیلیپین تا تابر مه و بنگال و نیز بخشهای خاوری چین است که گذرگاه بازرگانی و سیاسی این سرزمین را تشکیل می‌دهد.

در این پژوهش هدف آن است که چگونگی روند شناخت این بخش از جهان و افسانه‌های آمیخته با آن را در حافظه تاریخی خود بیابیم و بدانیم که قرن‌ها پیش از آشنایی ما با اروپا، اندیشه ایرانی و ایرانی تباران در تسخیر رمز و راز این سرزمین‌ها بوده است. در این صورت شاید خود را به آنها هرچه نزدیکتر بیابیم.

بی‌گمان تا امروز در بسیاری از کتابهای جغرافیایی فارسی درباره خاور دور و سرزمینهای آن سوی شبه قاره هند سخن رفته است که گزینش درست آنها برای این پژوهش تا اندازه‌ای دشوار بوده است. به هر رو در این بررسی کوشیده‌ایم که مطالب تا حد ممکن با واقعیات هماهنگ و یا بر پایه شنیده‌ها و دیده‌ها استوار شده باشد و از این رو کمتر از افسانه‌ها و قصه‌ها بهره گرفته‌ایم و اسطوره‌ها را نیز به کوتاهی آورده‌ایم.

گزینه دیگر ما تمرکز بیشتر بر آداب و رسوم و باورهای مردمان و سیاق زندگی در این سرزمین‌ها از دیدگاه ایرانیان بوده است و بر آن نبوده‌ایم که به تاریخ روابط این سرزمین‌ها با غرب و یا ایران بپردازیم. به سخن دیگر در این مجموعه تنها آنچه که ایرانیان از آن سوی جهان در اندیشه داشته‌اند و یا گزارش‌هایی که برای نخستین بار از خاور دور به آنها رسیده است ترجمه داشته‌ایم و در اصل بیشتر کوشیده‌ایم که به نخستین تماسهای ایرانیان با مردمان شرق آسیا و خاور دور تا آغاز سده بیستم بپردازیم. از این رو در فصل نخست، به چگونگی تماس فرهنگ بودایی یعنی آئین زندگی مردمان خاور دور با تمدن ایرانی پرداخته‌ایم تا نشان دهیم که ایرانیان نه تنها با آئین بودا، چندان که پنداشته می‌شود، بیگانه نیستند بلکه خود در ساختن و رواج این فرهنگ و آیین گرانسنگ در دورانهای گوناگون تاریخی سهم بوده‌اند.

برای آنکه خوانندگان و پژوهشگران گرانقدر هرچه بهتر با ادبیات جغرافیایی خاص هر دوره در زبان فارسی آشنا شوند بخشهایی از گزارشها و مآخذ را به همان گونه آورده‌ایم و کوشش شده است که توضیحات کافی برای نکات مبهم

به دست دهیم. با این همه برخی واژه‌های نامانوس که چه بسا بر اثر اشتباه نگارندگان باشد در متون بررسی شده وجود دارد.

اندیشه چنین پژوهشی به دوران ماموریت دیپلماتیک من در تایلند (۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰) باز می‌گردد و از آن هنگام تاکنون کوشیده‌ام که پرتو بیشتری بر آگاهیهای پیشین ما از سرزمینهای افسانه ای خاور دور بیافکنم. از این رو لازم می‌دانم که از دست اندرکاران کتابخانه ملی ایران که امکان دسترسی این جانب به نسخه‌های خطی و کتابهای چاپ سنگی را فراهم آوردند سپاسگزاری کنم.

همچنین سپاس صمیمانه خود را به استاد ارجمند جناب آقای دکتر خیراندیش برای ارزیابی مثبت این اثر، و نیز جناب آقای زعفرانچی‌زاده مقدم و مسئولان محترم بخش انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تقدیم می‌دارم.

امیرسعید-الهی